

در رسای میرمن جهانتاب

همصنفی دوران دانشگاه کابل ۱۳۵۰-۱۳۵۴ همزمان افتخار شاگردی داکتر صاحب سیاون ستانکزی را نیز دارم.

ای دوستان چه شد که **جهان** از جهان رفت

سرو سهی به هزار عز و شان رفت

تابش ز شمس و قمر از جهان رفت

آندم که خفت **جهانتاب** فغان رفت

نور زمین چسان ز زمین بر سما رفت

تاریک شد زمین که **جهانتاب جان** رفت

شمع هزار محفل گلرخان بود

دفتر سپید ماند که جان از **جهان** رفت

رفتا که رفتنش یک باره شد چرا؟

دایم ازین جهان غم سوی جنان رفت

بیما رو دلفگار شدم از غمش همیشه

آندم که ناگهان خبر مرگ **جهان** رفت

همصنفی عزیز من ای دخت با وقار

با رفتنت فرشته الفت عیان رفت

در محفل حزین و عزیزان داغدار

گویند بناله غنچه ای ادب بوستان رفت

مژده به حوریان بهشت داد کاتبان

آندم که نازنین **جهانتاب** جنان رفت

گریم بحال خویش و عزیزان داغدار

تاریک شد جهان "**نهان**" چون **جهان** رفت

محمد آصف نهان سدنی آسترالیا

